

در ترکیه چه اتفاقی افتاد؟

کودتای نظامی شکست خورده در خدمت دموکراسی نبود - ضد کودتای اردوغان هم نیست

گونای ایشیکارا، آلپ کایسری لیکلو، و مکس زرن گاست^۱
ترجمه‌ی فریدون تیموری



جمعه پانزدهم جولای، حوالی ساعت ۱۰:۱۵ دقیقه شب، واحدهایی از نیروهای مسلح ترکیه (TSK) دو پل اصلی روی تنگه بُسفر در استانبول را مسدود کردند. واحدهایی دیگر، با گشت‌زنی روی خط ساحلی اعلام کردند که مردم باید خیابان‌ها را ترک کنند؛ یک وضعیت استثنایی در آستانه‌ی اعلام‌شدن بود. فرودگاه آتاتورک استانبول به وسیله ارتشی که در ضمن شروع به خلع سلاح واحدهای پلیس در شهر کرده بود، تصرف و تعطیل شد. همزمان تانک‌ها وارد پایتخت آنکارا شدند، پایتختی که جت‌های جنگی با ارتفاع پایین بر فراز آن پرواز می‌کردند. گلوله‌باران سنگین و درگیری آغاز شد.

کودتا آشکار می‌شود

آرام‌آرام بر همگان آشکار شد که واحدهایی از ارتش در تلاش برای انجام یک کودتا هستند. با این حال، یک ساعت و نیم طول کشید تا کودتاگران بیانیه‌ای رسمی منتشر کنند. بسیار قبل از این بیانیه، نخست‌وزیر بینالی ایلدروم از حزب حاکم

^۱ Guney Işıkara, Alp Kayserilioğlu, & Max Zirngast

عدالت و توسعه (AKP) با اظهار نظری در تلویزیون تلاش برای کودتا توسط اقلیتی در درون ارتش را اعلام کرد و از مردم خواست علیه آن مقابله کنند.

سرنجام سربازان به رادیو و تلویزیون دولتی سرازیر شدند و بیانیه‌شان را خواندند. «شورای صلح در وطن» (اشاره ای به شعار ضد توسعه‌طلبی مصطفی کمال «صلح در وطن، صلح در جهان») اعلام کرد که برای بازگرداندن حاکمیت دموکراتیک و سکولار قانون که به وسیله حکومت رئیس جمهور اردوغان فرسوده شده بود، قدرت را در دست گرفته است. در این اثنا، درگیری در استانبول و به ویژه در آنکارا، جایی که نهادهای دولتی در آن مستقر هستند، گسترش یافت. مرکز فرماندهی ستاد کل نیروهای مسلح ترکیه حوالی نیمه شب توسط توطئه‌گران اشغال شد و رئیس ستاد کل، هولوسی آکار، همراه با دیگر فرماندهان ارشد گروگان گرفته شد. او مجبور به امضای بیانیه‌ی کودتایی شد که خود انجام نداده بود. در حالی که تانک‌ها در مناطق حساس گشت‌زنی می‌کردند، ساختمان پارلمان، مقر اصلی سازمان اطلاعات، کاخ ریاست جمهوری و چندین نهاد دولتی دیگر به وسیله بالگردها یا جت‌های جنگی زیر آتش قرار گرفتند. حملات به سازمان اطلاعات و مقرهای اصلی نیروهای ویژه پلیس در آنکارا متمرکز بود - دو نهادی که تصور می‌شد وفادارترین‌ها به اردوغان و حزب عدالت و توسعه هستند.

به سرعت آشکار شد که کودتا را خود ستاد کل ارتش برنامه‌ریزی نکرده و علیه سلسله‌ی فرماندهی انجام شد. کودتاگران عمدتاً از ژاندارمری و نیروی هوایی می‌آمدند و مساعدت بخشی از نیروهای زرهی را داشتند. به نظر نمی‌رسد ژنرال‌های رده‌بالا فعالانه در آغاز کودتا مشارکت داشتند، هر چند بسیاری از آن‌ها بعد از شکست کودتا بازداشت شدند. هنگامی که جریان نبرد آشکارتر شد، بسیاری دیگر از ژنرال‌های ارشد، از جمله فرماندهی اول ارتش، امید دوندار، برای محکوم کردن کودتا، غیر قانونی و خائنانه اعلام کردن آن و اعلام دستور به واحدهای نظامی درگیر برای بازگشت به سربازخانه‌ها تماس‌هایی با شبکه سی‌ان‌ان ترک برقرار کردند.

در همین حال، بیانیه‌های اپوزسیون و دیگر چهره‌های مهم سیاسی هم به جریان افتاد. حزب ناسیونالیست-فاشیست حرکت ملی (MHP)، حزب کمالیست جمهوری‌خواه خلق (CHP)، حزب طرفدار کردهای دموکراتیک خلق‌ها (HDP)، همگی تلاش برای کودتا را محکوم کردند.

رئیس جمهور سابق ترکیه عبدالله گل که اغلب شایعه نزدیکی او به پیشوا و متحد سابق حزب عدالت و توسعه و رقیب بالقوه اردوغان یعنی فتح الله گولن وجود داشت، به شدت کودتا را محکوم کرد. همین طور نخست وزیر سابق احمد داووداوغلو - کسی که فقط چند ماه قبل به وسیله رئیس جمهور اخراج و برکنار شده بود - نیز کودتا را محکوم کرد. یک ساعت و نیم بعد از نیمه شب، خود اردوغان از مکانی مخفی و از طریق فیس‌تایم موفق به برقراری ارتباط با سی‌ان‌ان ترک شد. او «ساختار موازی» و «پنسیلوانیا» را به توطئه علیه خود متهم کرد. این ارجاع‌ها در ترکیه به خوبی شناخته شده هستند و اشاره به گولن - کسی که از سال ۱۹۹۹ در پنسیلوانیا ساکن است - و جمعیت مذهبی او دارند.

اردوغان همچنین از هوادارانش خواست برای مقابله به مثل در خیابان‌ها و فرودگاه‌ها جمع شوند. هزاران غیر نظامی چنین کردند. به شکل مشابهی، به دستور محمد گورمز، رئیس امور دیانت، مساجد سراسر کشور در طول شب از مردم خواستند به خیابان‌ها بیایند.

تا این زمان، نیروهای دولتی - نیروهای ویژه پلیس و واحدهای وفادار ارتش - شروع به پس گرفتن نقاط حساسی کردند که هنوز در دست کودتاگران بود. آن‌ها نه تنها از کمک هزاران غیر نظامی بلکه همچنین از کمک شبه‌نظامیان حامی حزب

عدالت و توسعه مجهز به تسلیحات سبک، کسانی که به طور مکرر در سال‌های گذشته در اقدام علیه تظاهرات توده‌ای اپوزیسیون مشاهده شده بودند، برخوردار بودند.

در خارج از ترکیه، مدتی طول کشید تا جامعه بین‌المللی به اظهار نظر درباره رویدادهای در حال وقوع بپردازد. در حالی که اولین اظهار نظر ایالات متحده از طرف وزیر امور خارجه، جان کری، که می‌گفت امیدوار به مستولی شدن «ثبات و صلح» است، مبهم بود، سرانجام رئیس‌جمهور اوباما حمایت خود را از دولت منتخب اعلام کرد. هر چه بیانیه‌هایی از این دست بیشتر از جانب کشورهای مختلف و نهادهای بین‌المللی صادر می‌شد، اوضاع بیشتر به نفع حکومت شروع به تغییر می‌کرد. وقتی که سرانجام اردوغان در ساعت ۴ صبح در فرودگاه آتاتورک سخن گفت، او و حامیانش توانستند تقریباً به طور قطعی اعلام پیروزی کنند. درگیری همچنان به ویژه در آنکارا ادامه داشت اما کودتا به روشنی هدفی از دست رفته بود.

چرا کودتا شکست خورد؟

آن چه در طول آخر هفته اتفاق افتاد نشان‌دهنده تلاش برای کودتایی بود که شکل فاجعه‌آمیزی طراحی و اجرا شد. عجیب بود که کسانی فکر می‌کردند انجام این کار ایده خوبی است.

۱- کودتا بسیار ضعیف برنامه ریزی شده و فاقد مشروعیت بود

برای شروع باید گفت، هیچ تدارک سیاسی یا ایدئولوژیکی برای کودتا وجود نداشت. هیچ کودتایی بدون این‌ها نمی‌تواند اتفاق بیفتد، مخصوصاً کودتایی از این دست که انتظار حمایت وسیع بر بستر احساسات ضد آک‌پارتی در جامعه و دولت در طول ساعات اولیه را داشت. هر چند مخالفت گسترده‌ای با اردوغان وجود داشت اما مخالفت عمومی با کودتاگران نیز وجود دارد.

برای این که یک کودتا در ترکیه‌ی امروز از سوی بخش‌های بزرگی از جامعه پذیرفته شود و مورد دفاع قرار گیرد، باید به مثابه یک فرایند موثر و گذرا دیده شود که فوراً راه را برای یک آلترناتیو مدنی دموکراتیک و مؤثر برای آک‌پارتی هموار می‌کند. هیچ آلترناتیوی ساخته نشده بود و هیچ آمادگی برای هیچ شکلی از آن وجود نداشت.

کودتا، حتی برای کسانی که باید از آن پشتیبانی می‌کردند هم تعجب برانگیز بود. بسیاری از مردم در برابر آنچه می‌گذشت سردرگم یا بی‌تفاوت بودند چون نمی‌توانستند هیچ مضمون یا مسیر معناداری را در کودتا ببینند، برای آن‌ها کودتا صرفاً تکرار یک کابوس قدیمی بود.

اینکه کودتاگران هیچ چهره آشکاری که با آن شناخته شده و مرتبط شوند، نداشتند (حتی بیانیه آن‌ها به وسیله یک مجری زن تلویزیون خوانده شد، نه یکی از شرکت‌کنندگان در کودتا)، به بیگانگی مردم از کودتاگران افزود.

۲- کودتا به لحاظ سیاسی منزوی بود

کودتا همچنین به سرعت در فضای سیاسی منزوی شد. همه بازیگران اصلی سیاسی و حتی اقتصادی وقوع آن را محکوم کردند: آک‌پارتی و همه احزاب اپوزیسیون (CHP)، MHP و HDP یکی پس از دیگری در بیانیه‌هایشان چنین کردند و اتحادیه تجاری اصلی این کشور - نماینده فراکسیون‌های عمده سرمایه مالی ترک (TUSIAD) - نیز به آن‌ها پیوست. بدون این حمایت، آسان بود که بفهمیم چرا واحدهای شورشی از پلیس و غیر نظامیان شکست خوردند.

۳- سربازان درگیر در کودتا مشارکت کنندگان متعددی نبودند

کودتا از همان ابتدا آن چنان که لازمه چنین کار ستیزه جویانه ای است، از چنان سببیت و بی رحمی برخوردار نبود که بتواند دست بالا را پیدا کند. کودتاگران برای حفظ مواضعشان باید با سلاح های سنگین و توپخانه روی جمعیت آتش می گشودند اما خوشبختانه چنین نکردند. بسیاری از سربازان خود را تسلیم پلیس کردند و اجازه دادند بازداشت شوند. از عکس هایی که حتی از مکان های اصلی کودتا مثل پل سلطان محمد فاتح در استانبول گرفته شده است، می توان نیروی انسانی پشت تلاش برای کودتا را دید: سربازان جوان رده پایین و غیر متعهد که به سرعت دچار تزلزل می شدند. بسیاری از سربازانی که قرار بود کنترل خیابان ها را به دست بگیرند، بعدا گفتند که به آن ها گفته شده بود که برای مأموریت های آموزشی به خارج از پادگان اعزام می شوند و وقتی فهمیدند بخشی از یک کودتا هستند، متعجب شدند. حتی برخی از آن ها وقتی موقعیت برایشان آشکار شد، فرار را بر قرار ترجیح دادند.

۴- قاطعانه عمل نکردند

کودتاگران حتی نتوانستند از نقاط قوت خود دفاع کنند: آن ها ابتدا دست بالا را در آنکارا داشتند و حریم هوایی پایتخت را تحت اختیار آن ها بود. با این حال نتوانستند حملات قاطعانه ای را صورت دهند. آن ها نتوانستند نهادهای اصلی دشمنان آشکارشان همچون ستادهای مرکزی سازمان اطلاعات و نیروهای ویژه پلیس را در شهر از کار بیندازند. آن ها تنها موفق به تصرف ساختمان ستاد کل نیروهای مسلح شدند. نخست وزیر و رئیس جمهور نیز از گزند توطئه گران مصون بودند و نتوانستند مخالفان را در مقابل این کودتای نامردمی به صف کنند.

۵- بدون موفقیت اولیه، افسران ارشد از تلاش برای کودتا حمایت نکردند

آشکار شد که ستاد کل نیروهای مسلح در برنامه ریزی کودتا درگیر نبود - اما اگر کودتا به شکل بهتری اجرا می شد، بسیاری از ژنرال های رده بالای ارتش به شکلی قوی تر و قاطعانه تر از آن پشتیبانی می کردند. در همه کودتاهایی که علیه سلسله ی فرماندهی انجام شده و اهداف انقلابی ندارد و صرفا در پی تغییر روابط قدرت بین نخبگان است، افسران ارشد تنها هنگامی که پیروزی کودتا واضح شود، تمایل دارند به آن بپیوندند.



یک کودتای زودرس؟

همه‌ی ضعف‌ها و نقص‌های روندی و سازمانی کودتا این ایده را قابل قبول می‌کند که کار زودتر از موعد انجام شد. (ما این دیدگاه را که کودتا به وسیله خود اردوغان سازماندهی شده بود، کنار می‌نهیم).

رئیس‌جمهور اردوغان در سخنرانی‌اش علیه کودتا در فرودگاه آتاتورک در صبح شنبه تلاش برای کودتا را «عطیه‌ای الهی» خواند چون فرصت «پاکسازی» ارتش از عناصر سرطانی را به وجود آورد. اردوغان برای مدت نسبتاً طولانی منتظر انجام این کار بود اما نمی‌توانست - ارتش ترکیه آخرین دم‌ودستگاه حکومتی تا حدی مستقل از آک پارتی بود.

همان‌طور که احمد سیک روزنامه‌نگار و همین‌طور بسیاری دیگر بیان کرده‌اند، اطلاعاتی وجود دارد که نشان می‌دهد عملیات پلیسی و قضایی برنامه‌ریزی شده و قرار بود ۱۶ جولای علیه عناصر ضد آک پارتی در درون ارتش آغاز شود. همچنین گفته می‌شود این عناصر در حال آماده‌شدن برای کودتا پیش از نشست مرکزی شورای عالی نظامی (YAS) بودند، شورایی که در آن وظایف درون ارتش محول شده و همه موضوعات مرتبط با ارتش با مشارکت دولت غیر نظامی به بحث گذاشته می‌شود.

به عبارت دیگر، بعد از عملیات‌های برنامه‌ریزی شده برای ۱۶ جولای قرار بود عناصر ضد آک پارتی در درون ارتش اخراج و در نشست شورای عالی نظامی جایگزین شوند. ترس از وقوع چنین اقداماتی ممکن است این افسران را مجبور کرده باشد تا کودتای‌شان را بسیار زودتر از آنچه برنامه‌ریزی شده بود، آغاز کنند.

اگر چه این، عقلانی‌ترین توضیح برای رویدادهای اخیر به نظر می‌رسد اما هنوز مشخص نیست که این عناصر ضد آک پارتی دقیقاً چه کسانی بودند. آنچه مسلم است این که آن‌ها اقلیت بودند و از سیر حوادثی که پس از تشدید جنگ در شمال کردستان در اواخر سال ۲۰۱۵ آغاز شده بود، حمایت نمی‌کردند.

از آن زمان، ارتش ترکیه که سال‌ها را بدون این که بازیگری سیاسی باشد گذرانده بود، همزمان با ساخت پیوندهای ارگانیک‌اش با باقی دولت (که عمدتاً تحت سلطه‌ی آک پارتی بود) به مرکز صحنه بازگشت.

همه فرماندهان ارشد و متحدان ارتش که در جدال آک پارتی با ارتش از سال ۲۰۰۷ به بعد دستگیر شده بودند، از زندان آزاد شده و همه پرونده‌ها علیه آن‌ها مختومه شده بود. اردوغان حتی اعلام کرد که حکومت به وسیله طرفداران گولن، کسانی که مسئول دستگیری گسترده فرماندهان بودند، همراه شده و فریب خورده است.

اعتبار ارتش به آن بازگردانده شد. درست چند روز قبل از آغاز کودتا، از طریق قانون‌گذاری جدید، پوشش قانونی و قدرتی به‌طور قابل ملاحظه بیشتر به ارتش برای جنگ خونین‌اش در شمال کردستان اعطا شد.

این بدان معنا نبود که ارتش تحت کنترل آک پارتی درآمده است. برعکس، آک پارتی مجبور شد ارتش را بازسازی و با آن وارد ائتلاف شود چون این حزب شریک ریشه‌دارش در دولت یعنی جمعیت مذهبی گولن را از دست داده بود و روشن شده بود که برای نیروهای عملیات ویژه (تحت کنترل آک پارتی) ممکن نیست به تنهایی علیه جنبش آزادیبخش کرد بجنگند. آن‌ها برای این کار، به توپخانه‌ی سنگین و واحدهای تکاور که (هنوز) تنها در دسترس ارتش بودند، نیاز داشتند. خود ستاد ارتش از این اتحاد جدید کاملاً خشنود و در حال برنامه‌ریزی برای استفاده از آن برای تقویت دوباره موقعیت‌اش درون دولت و جامعه بود. به نظر قطعی می‌رسد که آن‌ها در کودتا دخالتی نداشتند.

با این حال، پس از قیام پارک گزی در سال ۲۰۱۳ در همه بخش‌های دولت و در جامعه بحران‌هایی وجود داشت. از آن زمان، بی‌ثباتی سیاسی و اقتصادی، آشفتگی اجتماعی دائمی و بحران‌های سیاست خارجی پی‌درپی اتفاق افتادند و کشتی نظم اجتماعی و سیاسی در ترکیه را این سو و آن سو می‌کشیدند و خطر فروپاشی سیستم را تقویت می‌کردند. آخرین تحولات در این بحران برکناری نخست وزیر سابق احمد داوود اغلو و آغاز یک جنگ تمام‌عیار به لحاظ سیاسی و ایدئولوژیک پرهزینه و خطرناک در شمال کردستان (کردستان ترکیه) بود.

جلوگیری از خطر سیستماتیک این اقدامات و تثبیت نظم بورژوازی، مسلماً از انگیزه‌های اصلی کودتاگران بود، به ویژه برای آن فرماندهان ارشدی که قرار بود به کودتا کمک کنند یا در جریان اجرا به یاری آن بشتابند. این واقعیت که برخی فرماندهان ارشد ممکن است در کودتا توطئه کرده یا پس از آغاز کودتا به آن پیوسته یا حداقل برای چند ساعت در تصمیم‌گیری برای تعیین جایگاه خود مردد مانده باشند، اشاره به این واقعیت دارد که شرایط در درون ارتش بسیار مبهم بود.

محتمل است که برخی از آن‌ها فقط بعد از این که دیدند کودتاگران در مسیر شکست هستند، از حکومت جانبداری کرده باشند. و این احتمال نیز وجود دارد که پیشروی دشوار و پرهزینه ارتش در شمال کردستان عاملی مهم در نارضایتی درون ارتش باشد.

محتمل به نظر می‌رسد که کادرهای نفوذی جمعیت فتح الله گولن در ارتش در کودتا دخیل باشند. هر چند جمعیت گولن با ترجیح غیر نظامیان و همین‌طور نهادهای قضایی و پلیسی به عنوان زمینه فعالیت و سازماندهی‌اش شناخته می‌شود اما دلیلی وجود ندارد که آن‌ها در درون ارتش خود را سازماندهی نکرده باشند، صرف نظر از این واقعیت که ارتش به طور سنتی سنگر نخبگان کمالیست است. احتمال رسیدن به یک بن‌بست بین آک پارتی و عناصر گولنیست بسیار زیاد بود و اگر در ارتش سازمان یافته بودند، آنجا می‌توانست آخرین سنگر گولنیست‌ها درون دولت باشد.

هر چند این محتمل به نظر نمی‌رسد که هیچ کدام از فرماندهانی که گفته می‌شود در کودتا درگیر بودند، گولنیست باشند، با این حال قابل قبول به نظر می‌رسد که این دو به لحاظ تاکتیکی می‌توانستند با هم همکاری کنند: آن‌ها ممکن است ایدئولوژی مشترکی نداشته باشند، اما یک دشمن مشترک و یک چشم‌انداز سیاست خارجی مشترک داشتند. (به شدت طرفدار ناتو، و به‌شکلی مبهم ضد مداخله).

در هر صورت، اکثریت ارتش و به ویژه ستاد کل، از کودتا حمایت نکردند. برای آن‌ها، تعادل فعلی نیروها هنوز به نفع جایگاه ارتش درون جامعه و دولت کار می‌کرد. آن‌ها مایل به اتحاد عمل با آک پارتی بودند. ارتش قبلاً تا حدودی موفق شده بود آک پارتی را به اتخاذ یک سیاست خارجی نزدیک به خط کلاسیک خود (همکاری با ناتو، اما نگران از مداخله در سوریه و دشمنی با سوریه) مجبور کند. با این وجود، هر دو طرف هنوز تا حدودی مستقل از هم باقی مانده و برنامه‌های خود را دنبال می‌کردند. پاکسازی ارتش از کودتاگران فعلی احتمال کودتاهای نظامی جدی‌تر در آینده نزدیک را از بین نخواهد برد. این موضوع با توانایی آک پارتی برای کنترل بحران‌هایی که خود ایجاد کرده است، تعیین خواهد شد.

ضد کودتای اردوغان

نبردهای جمعه و شنبه بیش از ۳۰۰ کشته و نزدیک به ۱۵۰۰ زخمی برجای گذاشت. بعد از آن که کودتا از اساس شکست خورد، ضد کودتای اردوغان و دارودسته اش فوراً آغاز شد. موجی از سرکوب علیه افرادی که به طریقی در کودتا درگیر بودند یا کسانی که در «لیست سیاه» قرار داشتند، برآمد. از روز دوشنبه، تقریباً ۸۰۰۰ نفر با اتهام مشارکت در تلاش برای کودتا بازداشت شده‌اند. از این تعداد بیش از ۶۰۰۰ نفر سرباز هستند؛ هفتاد افسر، ژنرال و دریادار عالی‌رتبه؛ نزدیک به ۷۵۰ نفر از دستگاه قضایی؛ ۳۰ نفر از اعضای شورای عالی قضات و دادستانان (HSYK)؛ ۲ نفر از اعضای دادگاه قانون اساسی (AYM). ۳۱۶ نفر از بازداشت شدگان از روز دوشنبه دستگیر شده‌اند. عملیات بدون وقفه ادامه دارد و همان گونه که وزیر دادگستری اعلام کرد انتظار می‌رود که تعداد بازداشت‌شدگان افزایش یابد.

از جمعه شب، اردوغان و حکومت به طور مداوم از مردم می‌خواهند تا برای نشان دادن «اراده‌ی ملی» همه اماکن اصلی را در طول شب اشغال کنند. هیچ حادثه دیگری نمی‌توانست برای او فرصت بسیج مردم در این مقیاس، تحکیم حمایت توده‌ای و نمایش قدرت‌اش به عنوان تحقق نیروهای دموکراتیک در ترکیه را فراهم کند. هر چند جمعیت باقی‌مانده در خیابان‌ها - پس از روز اول - کمتر از انتظار بود، برخی گروه‌های کوچک اما به‌خوبی سازماندهی‌شده، [مانند] گروه کوچکی از شبه‌نظامیان اسلام‌گرای تندرو حضوری چشم‌گیر در جمعیت حاضر داشته‌اند.

بسیاری از سربازان جوانی که حتی نمی‌دانستند بخشی از یک کودتا هستند، توسط جمعیت ضرب و شتم، شکنجه و حتی زجرکش شدند. همان‌طور که صدها ویدئو در رسانه‌های اجتماعی نشان می‌دهد ضرب‌وشتم و شکنجه سیستماتیک در مورد بازداشت‌شده‌ها ادامه دارد. از جمعه شعارهایی مانند «یا الله، بسم الله، الله اکبر» در خیابان‌ها طنین‌انداز شده است.

به سرعت محتوای همه‌ی این حرکات روشن شد: شنبه شب، بعضی گروه‌ها شروع به حمله به محلات علوی و کرد کردند؛ محلاتی که به چپ‌بودن مشهور هستند؛ از جمله گزی و اوک میدان در استانبول، توزلوچایر در آنکارا و آرموتلو در انطاکیه. یک گروه همچنین در حالی که شعارهایی علیه نوشیدن الکل سر می‌داد به مودا، محله‌ای تفریحی در استانبول که برای بارها و کافه‌هایش معروف است، حمله کرد.

پلیس از شماری از این حملات، به‌ویژه در مواردی که مردم در محلات چپ‌گرا به مقابله برخاستند، حمایت کرد. محله گزی درگیری خشونت‌آمیزی را از سر گذراند، هنگامی که نیروهای چپ برای مقابله با جمعیت فاشیست، مسلحانه خیابان را اشغال کردند.

تاکنون این حملات ناموفق بوده و همه جا با مقاومت روبه‌رو شده اند با این حال آن‌ها جنبه‌ای از بسیج توده در خیابان‌ها توسط اردوغان را نمایان می‌کنند. او فقط نمی‌خواهد کودتا را از بین ببرد؛ او می‌خواهد چنگالش را در همه لایه‌های مبارز و مخالف جامعه فرو ببرد و هژمونی ازدست‌رفته‌اش را از طریق یک بسیج توده‌ای راست‌گرا دوباره برقرار کند. همین جمعیت، سخنرانی اردوغان را در آخر هفته با یک شعار خاص قطع می‌کردند: «ما اعدام می‌خواهیم». پاسخ اردوغان تقریباً مثبت بود: «این حق شما است که آن را تقاضا کنید». به وضوح، اگر حکم اعدام دوباره برای «تروریست‌ها» و «خائن» برقرار شود، یافتن قربانیان آن دشوار نخواهد بود. حکومت ترکیه در طبقه‌بندی هر عمل مخالفت‌آمیزی به مثابه یک عمل تروریستی متخصص است.

بعد چه؟

اکنون به نظر می‌رسد که اردوغان پیروز قطعی میدان است. رویدادی مانند این، درست همان چیزی بود که او برای به‌دست‌آوردن دوباره اعتبار و ابتکار عمل نیاز داشت. عجیب نیست که او تلاش برای کودتا را عطیه‌ای الهی نماید که به او اجازه پاکسازی ارتش را می‌دهد.

مهم‌تر از همه این‌که او اکنون به نظر می‌رسد قهرمانی دموکراتیک است که می‌تواند مردم را پشت دولت خود بسیج کند. ضد کودتای اصلی دلالت بر همین دارد. حکومت اکنون مصرانه خواستار استرداد گولن به ترکیه است در حالی که وزیر امور خارجه آمریکا جان کری تأکید کرده است که طرف ترکی باید با ارائه شواهد قانونی دخالت امام را اثبات کند. علاوه بر این، تردیدی وجود ندارد که او از این فرصت برای فشار بیشتر برای سیستم ریاستی استفاده می‌کند. از آنجایی که به نظر می‌رسد محبوبیت او به اوج رسیده است، محتمل است که بخواهد انتخابات یا همه‌پرسی‌ای ناگهانی در اواخر پاییز یا زمستان برگزار کند.

در این اثنا و به دلیل بی‌اعتمادی اش به ارتش، برای ساختن یک اداره پلیس و نیروهای ویژه حتی قوی‌تر که کاملاً به خودش وفادار باشند، تلاش خواهد کرد. با این حال تا جایی که به نیروی مادی مربوط می‌شود، او چیز قابل توجهی به دست نیاورده است.

برعکس، بسیاری از ژنرال‌های برجسته جنگ در کردستان بازداشت شدند. این به ویژه شامل یک ژنرال عالی‌رتبه می‌شود که تنها چند ماه پیش همچون یک قهرمان، ستایش شد. او عملیات ارتش در جزیر و سور، دو سنگر مستحکم جنبش کردی، جایی که برخوردهای خشونت‌آمیزی بین شبه‌نظامیان کرد و نیروهای دولتی برای ماه‌ها جریان داشت، را رهبری کرده بود.

پس از «پاکسازی» موفق جزیر و سور - که او را مسئول جنایات بیشمار و نقض حقوق بشر می‌کند - او حالا به عنوان یک خائن معرفی شده است. علاوه بر این، عالی‌رتبه‌ترین افسران در حکاری و شرناخ نیز بازداشت شده اند. این دو استان جزو مناطقی هستند که حزب کارگران کردستان (PKK) در آن جا قدرتمند و به‌واقع نیروی مسلط در بسیاری از مناطق است.

این واقعیت که بخش‌هایی از نیروهای هوایی در شورش شرکت کرد، نیز بسیار مهم است چون جت‌های جنگی یک برتری مهم دولت در جنگ با پ.ک.ک هستند. بدون آنکه بخواهیم اغراق کنیم گفتن این نیز جالب است که بسیاری از سربازانی که جنگ را در کردستان به راه انداخته اند، در میان شورشیان بودند و این ممکن است نشانه‌ی این باشد که جنگ برای دولت به‌سختی پیش می‌رفت.

پ.ک.ک در اوایل صبح ۱۶ جولای بیانیه‌ای صادر و ادعا کرد که تلاش برای کودتا جدالی بین نیروهای رقیب در درون دولت است و کردها و همه نیروهای دموکراتیک باید خود را از این مناقشه دور نگه دارند. با این حال، عجیب خواهد بود اگر پ.ک.ک بلافاصله همه اقدامات را برای استفاده از این موقعیت به نفع خود اتخاذ نکند. واحدهای دیگری در میدان نبرد از جمله نیروهای ویژه پلیس و حتی نظامیان خصوصی وجود دارند اما بدون سلاح‌های سنگین ارتش، توازن نیروها در میدان نبرد به شکل قابل توجهی به نفع کردها تغییر می‌کند. ما نخواهیم دانست که پ.ک.ک در میدان نبرد چه خواهد کرد، اما به نظر می‌رسد که آن‌ها با آرامش و بدون دودلی با موقعیت روبه‌رو خواهند شد. آن‌ها ممکن است همچنین در حال برآورد اقدام اردوغان باشند، اگر او جنگ را تشدید کند، آن‌ها نیز به همان شیوه پاسخ خواهند داد. با این حال، اگر توازن نظامی نیروها آن قدر تغییر کرده باشد که ادامه جنگ دیگر برای دولت ترک ممکن نباشد، امکان گشایشی تازه برای مذاکرات وجود دارد.

علاوه بر این، اگرچه جمعیت بزرگی در خیابان‌ها برای حمایت از اردوغان حضور داشت، اما انتظار می‌رفت جمعیت بیشتری حاضر باشد. به عبارت دیگر، اگرچه تعداد زیادی به جشن و پایکوبی پرداختند، اما تعداد بیشتری در خانه ماندند. احتمالاً به خاطر آنکه آن‌ها پس از این که تلاش برای کودتا به راحتی درهم شکسته شد دیگر اخطارهای آک پارتی را درباره خطر همچنان موجود باور نکردند. اما همچنین مطمئناً به این دلیل که آک پارتی دیگر آن قدر که می‌خواهد نشان دهد، قوی نیست.

هر اتفاقی که بیفتد، روزها و هفته‌های آینده حیاتی هستند. اردوغان ممکن است از توان ضد کودتایش نه تنها برای امحای خود کودتاگران استفاده کند بلکه به سوی یک بسیج قوی‌تر و حمله شدیدتر به کل اپوزیسیونی برود که با آن همراهی کردند.

این کاملاً آشکار است که وزیر امور خارجه آمریکا جان کری صراحتاً نگرانی‌اش را از این که اردوغان از کودتای نظامی شکست‌خورده برای سرکوب دموکراسی استفاده کند، اظهار کرد. این کار، فشاری بیش‌تر از صلاحیت‌های او بود و سبب تحریک بحران شدید دیگری، حتی یک کودتای این بار جدی‌تر، خواهد شد.

به طور مشابهی، فدریکا موگرینی مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا دوشنبه به دولت ترکیه هشدار داد که تلاش برای کودتا بهانه‌ای برای رهاکردن حکومت قانون نیست. او همچنین اضافه کرد که اعمال مجازات اعدام مسائلی را در مسیر روابط ترکیه با اتحادیه اروپا ایجاد خواهد کرد. در همان کنفرانس خبری، کری به هشدارهایش ادامه داد و گفت نقض حاکمیت دموکراتیک، عضویت ترکیه در ناتو را به خطر خواهد انداخت.

روی هم رفته، آنچه در روزهای گذشته اتفاق افتاد و آنچه به دنبال آن در روزهای بعدی اتفاق می‌افتد، نه کودتای نظامی برای دموکراسی بود و نه دموکراسی علیه کودتای نظامی.

این حوادث نبردی بین کودتا و ضد کودتا بود و خواهد ماند، تحولاتی که به جای حل بحران هژمونیک، اقتدارگرایی را پیش برده و تعمیق خواهند کرد. چیزی که بازگشت بزرگ اردوغان به نظر می‌رسد ممکن است ثابت شود که جام زهری بیش نیست.

این مقاله ترجمه‌ای است از:

- <https://www.jacobinmag.com/۲۰۱۶/۰۷/what-happened-in-turkey>